

ضمانت اجرای حقوق مصرح ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بهروز زارع^۱

چکیده

یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های سیاسی که بر آن تاکید بسیار می‌شود حقوق ملت است که در حقیقت تمامی کشورهای جهان در تلاش هستند تا آن را سرلوحه قانون اساسی قرار دهند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور، فصل سوم به دور از افراط و تفریط این مبحث محوری و اصلی نظام سیاسی مورد تاکید قرار گرفته است. بطور کلی می‌توان گفت حقوق ملت مصرح در فصل سوم را در سه محور مساوات، امنیت و آزادی مطالعه کرد. باتوجه به اهمیت این موضوع، در مقاله حاضر به تبیین و بررسی حقوق ملت در قانون اساسی پرداخت می‌شود و ضمانت اجرای موجود را مورد کنکاش قرار خواهیم داد. بطور کلی هدف از انجام این مقاله آگاهی رساندن به تمامی افراد جامعه در خصوص حقوق و تکالیف مربوط به آنها و ضمانت اجرای موجود در این زمینه می‌باشد روش انجام پژوهش توصیفی- تحلیلی است و نتیجه پژوهش حکایت از آن دارد که همه افراد جامعه مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با یکدیگر برابر هستند و برابری حقوق و تکالیف و اجرای این حقوق بدون وجود ضمانت اجرا میسر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، حقوق مصرح ملت، برابری، امنیت، ضمانت اجرا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

انسان موجودی است که خداوند جایگاه والا و شایسته او را مورد تاکید قرار داده و بر این اساس برخوردار از حقوق ویژه امری طبیعی است و نحوه تامین و تضمین اجرای چنین حقی از گذشته تا به امروز در اعلامیه‌ها و فرامین متعددی وجود داشته است. نظام جمهوری اسلامی ایران دارای سه عنصر اصلی و اساسی است که عبارتند از اسلام، مردم و رهبری که در حقیقت ارکان اصلی انقلاب را در بر می‌گیرد لذا حمایت از حقوق مردم و ارکان انقلاب دارای چنان اهمیتی است که فصل سوم قانون اساسی طی ۲۴ اصل به این حقوق تاکید ورزیده که می‌توان آنها را تحت سه محور اصلی مساوات، آزادی و امنیت مورد بررسی قرار داد. بنابراین اهمیت اساسی برخی از حقوق افراد جامعه ایجاب می‌کند که حمایت‌های اساسی از آنها صورت گیرد. حقوق ملت از یک طرف مجموعه حقوق طبیعی است که از خصلت عالی انسان ناشی می‌شود و قانونگذاران در تدوین قوانین، حق سلب یا محدودیت آن را ندارند و دولت‌ها نباید مانعی در مقابل آن ایجاد نمایند. از طرف دیگر مجموعه حقوق موضوعه‌ای است که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تامین و تضمین کرده و محتوای آن حقوق از یک کشور به کشور دیگر متفاوت می‌باشد. انسان‌ها از هزاران سال پیش به فکر حقوق و تکالیف خویش بوده‌اند که گاه این حقوق و تکالیف در ارتباط با روابط آنها با یکدیگر بوده و گاه در ارتباط با حاکمان خود؛ بنابراین، بیان و تبیین این حقوق و تکالیف می‌تواند در حق جویی و حق‌پویی شهروندان و چرخیدن مسئولان بر مدار حق و قانون اثر بسزایی داشته باشد. پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی که بعد از انقلاب اسلامی تدوین شده بود، دارای دوازده فصل و حدود صد و پنجاه اصل است و در فصل پنجم آن، حقوق ملت از اصول بیست و دو تا چهل و هشت نوشته شده است، البته در برخی دیگر اصول آن (اصل ۳، ۶، ۷۴ و ...)، حقوق ملت را مطرح می‌کند. ولی با اختلاف نظرهایی که برای تصویب پیش‌نویس پیش می‌آید، سرانجام مجلسی، به نام مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس به پیشنهاد آیت‌الله طالقانی در مرداد ۱۳۵۸ تشکیل می‌شود و در این مجلس اصول حقوق (اصول مربوط به پیش‌نویس) طی جلسات بیست و چهارم تا سی‌ام، و شصت و سوم تا شصت و پنجم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، که نتیجه آن، تصویب اصول نوزدهم تا چهل و دوم مربوط به حقوق ملت در مصوب ۱۳۵۸ است. مهم‌ترین کارکرد قانون اساسی، قاعده‌مندسازی و محدودسازی اعمال قدرت و تنظیم روابط سه‌گانه: شهروند-حاکمیت، شهروند-شهروند و حاکمیت-حاکمیت است؛ قانون اساسی میثاق ملی و عهدنامه دولت و ملت و عالی‌ترین سند حقوقی کشور و مرجع نهایی حل و فصل و منازعات ملی است. با تصویب قانون اساسی، منشوری ملی برای تمرین حکمرانی جدید، مورد توافق و مبنای عمل قرار گرفت و حقوق و تکالیف متقابل دولت و ملت به رسمیت شناخته شد. لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن داریم تا با بررسی حقوق ملت مصرح در فصل سوم قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران و نیز بررسی اصول مربوط به حقوق ملت، ضمانت اجرای قانون اساسی در این زمینه را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- اصل اساسی مصرح در فصل سوم قانون حقوق ملت

همانطور که پیش از این گفته شده باتوجه به زیربنای فکری و عقیدتی هر اصل سه محور مساوات، آزادی و امنیت محورهای اساسی حقوق ملت را تشکیل می‌دهند. یکی از برجستگی‌های چشمگیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه به حقوق مردم و آزادی‌های عمومی و اجتماعی است؛ حقوق ملت با اتکاء به پشتوانه‌های اسلامی، اندیشه‌ای و تجربی، ظرفیت‌های بالایی برای جلوگیری از چالش‌های سیاسی- اجتماعی و تضمین سامان سیاسی و تقویت اقتدار ملی دارد. تعیین محدوده مشروعیت برای اعمال حقوق ملت در قانون اساسی، امری ضروری در جهت حفظ و صیانت از آزادی‌های عمومی تلقی می‌شود.

۱-۱- مساوات

از گذشته‌های دور موانع گوناگون از جمله موانع سیاسی، نژادی، قومی و مذهبی و جنسیتی به تبعیض میان انسان‌ها دامن زده است (معین، ۱۳۷۱: ۱۰۳). لذا برابری و مساوات از اندیشه‌ها و خواسته‌های کهن بشری از و از اصول بسیار مهم حقوق بشر در جهان امروز است تا جائیکه اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه خود بر آن تاکید و در همه ۳۰ ماده خود آن را مدنظر قرار داده است (مجلسی، ۱۳۵۷: ۱۰۳). در حقیقت می‌توان گفت مهمترین اصلی که در فصل سوم قانون اساسی که بعنوان یکی از شاخص‌های حقوق ملت مطرح شده است مساوات و برابری است. مساوات در لغت به معنای برابری است، و در اصطلاح از اصول حقوق عمومی به شمار می‌آید که به موجب آن همه مردم صرف‌نظر از قومیت، مذهب، جنس و طبقه باید از حقوق و تکالیف برابر برخوردار باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶: ۴۷۰). اصل برابری عبارت است از اینکه همه انسان‌ها دارای حقوق و تکالیف یکسان باشند و تا زمانی که میان انسان‌ها مساوات کامل از هر نظر لحاظ نشود تحقق عدالت اجتماعی امری محال است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۹).

اصل مساوات و برابری نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام را تشکیل می‌دهد و این اصل از شناخت و از ارزش‌های والایی که اسلام از انسان دارد ناشی می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۵۶۶)؛ از دیدگاه اسلام همه انسان‌ها از هر نژاد از دو انسان مرد و زن آفریده شده و نخستین مرد و زن که پدر و مادر همه انسان‌ها هستند از نوع طبیعت مشابه آفریده شده (نساء: آیه ۱). همه انسان‌ها در برابر خداوند بطور یکسان مسئولان و نیز نسبت به افراد دیگر و جامعه وظایف مشترکی به عهده دارند. باتوجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی برپایه قوانین و تعلیمات اسلامی بنا نهاده شده در قانون اساسی که می‌توان گفت مهمترین پایه این نظام را تشکیل

می‌دهد در تمامی اصول از ارزش‌ها و آرمان‌های برابری و مساوات حمایت شده است. بکار بردن کلماتی همچون همه افراد ملت و همه مردم ایران و نظایر آن بیان‌کننده این واقعیت است (مدنی، ۱۳۸۲: ۳۰۱). مفهوم برابری به معنای یکسان‌انگاری میان همگان در دنیای معاصر از بیشترین محبوبیت برخوردار است و بسیاری از این کنش‌های اجتماعی بر محور این مفهوم واقع شده است. مقصود از برابری آن نیست که همه انسان‌ها با یکدیگر تماثل و تشابه تام و کامل دارند بلکه مراد تساوی در ارتباط با مبدا و تساوی در ماهیت و تصاویر قراردادی در برابر حقوق طبیعی و وضعی است که برای زندگی معمول بشر ضرورت دارد. در دین اسلام بر یکسان بودن همه انسان‌ها در خلقت تأکید شده است و خداوند متعال در قرآن می‌فرماید هنگامی که کار آن را به پایان رساندم و در او از روح خود دمیدم همگی برای او سجده کنید (حجر: آیه ۲۹). برابری از دیدگاه حقوق بشر به معنای تساوی همه در برابر قانون و مورد حمایت یکسان قانون بودن است در ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده که همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند و دارای وجدان می‌باشند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند همچنین در ماده هفتم تصریح می‌کند همه افراد در پیشگاه قانون یکسان هستند و حق دارند بی‌هیچ تبعیض و تفاوتی از پشتیبانی قانون بطور برابر استفاده کنند.

ماده (۲۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌کند کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ تبعیض استحقاق حمایت برابر قانون را دارند از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیض را منع کند و از کلیه اشخاص حمایت موثر کرده جلوگیری از اعمال هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی یا هر وضعیت دیگر را تضمین کند (میرموسوی، ۱۳۹۲: ۵۲).

بر این اساس آنچه در اسناد حقوق بشری و فصل مربوط به حقوق بشر در قوانین اساسی کشورها ذکر می‌شود و می‌بایست برای همه بطور یکسان اجرا شود حداقل حقوق انسانی است که همه انسان‌ها در هر شرایطی باید از آن برخوردار باشند. اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص تأکید بیشتری دارند در اصل ۱۹ مقرر شده: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. اصل بیستم مقرر می‌دارد: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. البته باید توجه داشت که لازمه تساوی حقوق زن و مرد، یکسان‌سازی و تشابه حقوقی میان آنها نیست تفاوت‌های انکارناپذیر در نظام توصیفی و نظام ارزشی زن و مرد، به صورت ضروری، تفاوت در نظام حقوق ایجاب می‌کند. مطهری می‌نویسد: «کمیت غیر از کیفیت است. برابری غیر از یکنواختی است. اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۹).

البته به جزء این دو اصل از اصول دیگری همچون اصل ۳ در بندهای ۳، ۸، ۹، ۱۵ از این ارزش‌ها و برابری‌ها حمایت می‌کند (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۹ و ۲۰ و اصل ۱۱۷ برخورداری از حقوق و حمایت قانون و تصاویر در برابر قانون را پذیرفته و در بند ۱۴ از اصل سوم بیان می‌کند رهبر در برابر قانون با سایر افراد کشور مساوی است و در اصل ۸۶ قانون اساسی مقرر شده است نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزاد هستند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کردند یا آراییی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد. در اصل سوم قانون اساسی، باتوجه به تکلیف دولت به انجام تلاش برای رسیدن به اهداف مندرج در اصل دوم، ملاحظه می‌شود که تعهد دولت، تعهد به نتیجه است این تعهدات در حوزه حقوق مدنی-سیاسی، تعهد سلبی و در حوزه اقتصادی، تعهد ایجابی است حال این مسئله پیش می‌آید که ارتباط این تعهدات با آزادی شهروندان چگونه است؟ در پاسخ به این سوال، گفتنی است که ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، یکی از مصادیق حقوق بشر از منظر اسلام است که در اسناد حقوق بشری دیده نمی‌شود و این یک نقیصه برای حقوق جهانی بشر است که به دلیل عدم توجه به بعد معنوی و روحانی انسان بوده و نتیجه نگرش مادی صرف به انسان است. در بند ۱۴ اصل سوم، عبارت «تساوی عموم در برابر قانون» آمده است.

۹۵

در مباحث حقوقی دو نوع تساوی وجود دارد: یک؛ تساوی در برابر قانون و دو؛ تساوی در قانون البته این موضوع غیر از تساوی در حقوق است. منظور از تساوی در حقوق، تساوی در برابر حقوق طبیعی، وضعی و هر قانونی است که برای تنظیم زندگی طبیعی و حیات معقول انسان‌ها ضرورت دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور، در خلال اصول مختلف خود به حقوق اساسی مردم و ملت ایران توجه ویژه کرده و از اعطای امتیازات واهی و غیرقانونی به طبقه یا قشر خاصی از مردم نهی کرده است اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنچنان از اهمیت بالایی برخوردار است که حتی بالاترین شخصیت نظام؛ یعنی مقام معظم رهبری را از این اصل مستثناء نکرده و ایشان را در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی دانسته است. اما باید توجه داشت که برابری حقوق و تکالیف افراد یک اجتماع در شرایط مساوی ممکن نیست؛ زیرا ایجاد چنین شرایط یکسانی میسر نخواهد بود بطور واضح آنچه ملاک بنیادین در اصل برابری است، در صورت یکسان بودن شرایط همه افراد ملت در شمول قانون، برابری همه آنان در برابر قانون است. با این حال تعقیب کیفری برخی افراد با لحاظ وظایف خاص سیاسی، قضایی، نظامی، اجتماعی و مذهبی که با تشریفات خاصی صورت می‌پذیرد. مانند رسیدگی به اتهام اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونان آنها، روسای سه

قوه، سفراء دادستان، رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران، معاونان و مشاوران روسای سه قوه، افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها که به موجب تبصره یک ماده (۴) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد. بیان این نکته ضروری است که براساس قانون اساسی رعایت حقوق افراد، فقط مختص مسلمانان نیست بلکه باید در جمهوری اسلامی ایران حقوق تمامی انسان‌ها اعم از مسلمانان و غیرمسلمان کاملاً براساس موازین شرعی و قانونی رعایت گردد چنانچه در اصل چهاردهم قانون اساسی بیان شده است دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

۱-۲- امنیت

نخستین بار مفهوم امنیت انسانی از سوی دیپلمات پاکستانی در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۴ در ابعاد و بستری جهانی مطرح شد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای درک شرایط امکان‌سازی امنیت انسانی در ایران امروز نیاز به بازخوانی و بازفهمی قانون اساسی احساس می‌شود و اهمیت این موضوع از این روست که یکی از استراتژی‌های تحقق امنیت انسانی در جوامع گوناگون حمایت از حق زندگی برای همه انسان‌ها است که با تضمین آزادی‌ها و حقوق بشر بنیادین ممکن می‌شود و این آزادی‌ها و حقوق غالباً در قوانین اساسی کشورها بروز می‌یابند. امنیت انسانی مفهومی سیال و فرار است و اجماع مشخصی در خصوص حدود تمرکز و ابعاد آن وجود ندارد، سابینا الکایر؛ بر همین اساس تعریفی عملیاتی و کارگاهی به دست داده و آن را بر مبنای هدف توسعه انسانی توضیح داده است و به نظر وی هدف امنیت انسانی حفاظت از هسته حیاتی زندگی همه انسان‌ها در برابر تهدیدات شایع و حاد است بگونه‌ای که با رضایت و کرامت بلندمدت انسانی سازگار باشد. آنچه می‌تواند مبنای پیوند امنیت انسانی و قانون اساسی قرار گیرد و سنجش قانون اساسی را از منظر ایده امنیت انسانی ممکن کند مفهوم حقوق انسانی بنیادین یا حقوق بشر بنیادین است.

در فرهنگ مرجع آکسفورد امنیت، حالت و احساس ایمنی داشتن یا چیزی که این احساس را به وجود می‌آورد معنا شده است. امنیت دارای دو بعد از اولین بعد وجه سلبی و ایجابی امنیت است به این معنا که بطور سنتی امنیت جنبه سرگرمی دارد و این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که معمولاً معانی امنیت، تهدید محور هستند و برای تامین امنیت هم باید این تهدیدات را از بین برد تا حداقل آن حاصل شود و هم باید زمینه فراگیری حقوق را افزایش داد تا امنیت به کمال برسد. برای اقدامات سلبی می‌توان از ممنوعیت شکنجه و مصونیت حریم و برای اقدامات ایجابی ایجاد نهاد تامین اجتماعی و انواع بیمه‌ها مثال آورد.

بعد عینی و ذهنی امنیت دومین بعد امنیت است که برای تامین امنیت باید هر دو بعد آن را محقق ساخت. نبودن بیماری‌های واگیر و پایین بودن آمار جرائم بعد عینی امنیت است. بعد دیگر امنیت نمود ذهنی آن است که به دلیل آن که کمی نیست و معیارهای سنجش قابل اعتماد برای آن وجود ندارد کمتر به آن توجه می‌کنند در واقع این احساس امنیت را شکل می‌دهد که به دلیل تفاوت افراد در ابعاد روحی و روانی، متغیر و متفاوت است.

باتوجه به مطالب گفته شده و ارائه تعریف از امنیت به بررسی حق امنیت می‌پردازیم. حق امنیت در اسناد بین‌المللی در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد که هرکس حق دارد از حیات، آزادی و امنیت شخصی برخوردار باشد. در ماده (۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی مقرر شده است که هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت و یا زندانی کرد و از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر طبق آئین دادرسی قانونی. در کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیز یکی از قضات چنین اظهارنظر کرده که امنیت شخصی فقط به این معنا است که هیچ‌کس واهمه و ترس از به مخاطره افتادن آزادی خود نداشته باشد (آشوری، ۱۳۸۳: ۴۰).

بطور کلی می‌توان امنیت را وضعیت مطلوبی در نظر گرفت که در آن ضمن اطمینان خاطر از عدم تعرض به حقوق و آزادی‌های فردی زمینه‌ای فراهم شده تا در فضایی منطقی پیوسته این حقوق بهبود یابد. امنیت ۹۷ فردی بعنوان حق اساسی وضعیت و حالتی است که در آن انسان قادر به بهره‌مندی از مزایا و مواهب حیات باشد بنابراین امنیت فردی عبارت است از مصونیت و تامین قابل توجه اینکه در مشروح مذاکرات قانون اساسی در جریان تصویب اصول مربوط به حقوق ملت با وجود بحث مفصل از تک‌تک حقوق ملت هیچ اشاره‌ای به مسئله امنیت فردی نمی‌شود و این همه گویای این است که قانونگذار اساسی نیز امنیت را به معنای فراهم بودن همه حقوق فردی و اجرای آن می‌داند و دیگر نیازی به طرح آن بعنوان حقوقی مستقل نمی‌بیند (صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۶۸: ۵۳). بخش مربوط به حقوق ملت در مجموعه مستندات و مبانی شرعی قانون اساسی که بعنوان مبانی دینی حقوق ملت مورد توجه قرار گرفته است و براساس آن حقوق شخصی افراد در قانون اساسی طراحی شده به امنیت فردی بعنوان حقی مجزا آن پرداخته است (ورعی، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

امنیت انسانی نوعی جهت‌گیری و نگاه به مقوله سیاست‌گذاری و حکومت‌داری است و بر آن است تا مفهوم و مرجع امنیت را به مقولات عینی و انضمامی‌تری همچون انسان و مردم معطوف کند. قانون اساسی ایران گرچه در هنگام تدوین و تصویب شد که این مفهوم در ادبیات سیاسی و مطالعات اجتماعی جامعه ما جایی نداشت اما مرور دوباره و بازخوانی این قانون نشان می‌دهد جهت‌گیری معطوف به امنیت انسانی در متن آن

وجود دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف و متعدد حق امنیت فردی را بیان کرده و با این کار در حقیقت ضمن نهادینه کردن حقوق فردی با تلاش در رفع تهدیدات و زمینه‌سازی برای بهبود بخشیدن به آنها امنیت فردی را به لحاظ حقوقی تأمین و تضمین کرده است. با بررسی اصول مختلف قانون اساسی به نظر می‌رسد که امنیت فردی با تمام ابعاد آن تأمین و تضمین شده است با وجود این نمی‌توان بعضی از الفاظ قانون اساسی که مجال آسیب به امنیت فردی را فراهم می‌کنند نادیده گرفت.

۳-۱- آزادی

آزادی از جمله مفاهیمی است که دارای معانی متعددی است و در فرهنگ‌های متفاوت معانی مختلف برای آن ذکر شده است. برخی معنای لغوی آزادی را خلاصی و رهایی و برخی دیگر بر رها بودن از قید و بند، زندان و اسارت و نیز حق انجام دادن افکار و خواسته‌ها براساس اراده خود و جوانمردی و گسستگی از تعلقات را بعنوان معنای آزادی بیان کرده‌اند و به علاوه در مورد آزادی نیز اینگونه بیان شده است که مشتمل بر حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیب و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب می‌باشد.

براساس گفته مصباح یزدی اولین معنای آزادی؛ به معنای اختیار است این معنای آزادی در مقابل جبر است و به حوزه الهیات و فلسفه و کلام و همچنین روانشناسی مربوط می‌شود. یکی دیگر از معانی آزادی به معنای استقلال وجودی است به این معنا که انسان کاملاً مستقل باشد و تحت تأثیر و سیطره هیچ موجودی دیگر نباشد این معنای آزادی با دیدگاه توحیدی اسلام که می‌گوید وجود هر چیزی این فقر به خداوند است منافات دارد و از نظر اسلام مردود است. از دیگر معانی که می‌توان برای آزادی نام برد آزادی به معنای عدم دلبستگی و عدم تعلق به هر چیزی می‌باشد که بیشتر در اخلاق و عرفان کاربرد دارد. معنای دیگر آزادی، آزادی در مقابل بردگی است که یک مقوله اجتماعی است. یک معنای رایج از آزادی که در حقوق و سیاست مطرح است آزادی به معنای حاکمیت بر سرنوشت خویش است و انسان آزاد یعنی انسانی که تحت حاکمیت غیر نباشد و خود مسیر زندگی خود را تعیین کند. گاهی آزادی بنا بر یک مبنا بر ۲ قسمت آزادی تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود که منظور از آزادی تشریحی این است که انسان موجودی آزاد و مختار آفریده شده و آزادی تکوینی همان قدرت اختیار و آزادی انتخاب است.

حق آزادی یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین حقوق بشر و از جمله حقوق مدنی و سیاست است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مورد تأکید و تصریح قرار گرفته (قراچورلو، ۱۳۸۴: ۴۴).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از مبانی تفکر اسلامی بعنوان مشهور ملی اصول و موازین همه‌جانبه‌ای را که بیان‌کننده شقوق مختلف آزادی است مقرر داشته است. در بند هفتم از اصل سوم آمده

است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون بکار برد. اصل نهم نیز آزادی را یکی از محورهای اصلی نظامی سیاسی کشور دانسته که به صورت‌های گوناگونی متظاهر می‌شود و در فصل سوم آزادی افراد را تا آن هست که به حقوق و آزادی دیگران نظم عمومی و مبانی اسلامی ضرر نرساند وسیع مورد تاکید قرار می‌دهد (موسوی بجنوردی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

برخی از حقوقدانان آزادی عمومی را به سه دسته آزادی‌های تن و آزادی‌های فکر و آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم می‌کنند و اصول قانون اساسی را تحت این سه دسته مورد بررسی قرار می‌دهند. اما برخی دیگر اصول و موازین آزادی را تحت دو عنوان حقوق و آزادی‌های فردی و حقوق و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۲۳). آزادی‌های فردی به همه افراد جامعه این امکان را می‌دهد که بدون دغدغه خاطر از تعرض دیگران قادر به ادامه زندگی باشند و هر آنچه که می‌خواهند بدون هراس انجام دهند به شرط آن‌که به حقوق دیگران لطمه وارد نمانند. آزادی برابر و برخورداری از حق برادری که در اصول سوم و چهاردهم و نوزدهم و همچنین بیستم و چهل و سوم قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است در اصل سوم چندین بار به این حق تاکید شده. آزادی‌های برخورداری‌های غذایی فردی که شامل حق برابری در برابر قانون و آزادی برخورداری از حمایت قانون که در اصول بیستم و یکصد و هفتم به آن تصریح شده و دو اصل اخیر به مساوات رهبر با سایر آحاد ملت در برابر قانون تاکید شده است، چنین آزادی مراجعه به محاکم ملی ساله موضوع اصل سی و چهارم قانون اساسی است که بعنوان حق مسلم هر فرد به رسمیت شناخته شده است. منع توقیف خودسرانه و یا حبس یا تبعید در اصول سی و دوم و سی و سوم قانون و آزادی در برخورداری از دادگاه علنی و منصفانه در اصل یکصد و شصت و پنجم تصریح شده است.

آزادی حریم شخصی و خصوصی افراد شامل حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل، از تعرض مصون است طبق اصل بیست و دوم که مورد تاکید قرار گرفته و بازرسی و نرساندن نامه و همچنین ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی براساس اصل بیست و پنجم ممنوع است.

آزادی برخورداری از حقوق عبور و مرور و اقامت در هر کشور و ترک آن از جمله کشور خود که در اصول بیستم و سی و سوم و همچنین اصل ۴۱ و ۴۲ م و بند هفت اصل سوم آمده است و شورای نگهبان به استناد اصل ۲۹ قانون اساسی در خصوص قانون دریافت عوارض خروج از کشور حق مسافرت و آزادی سفر را از اعمال عادی و حقوق مسلم فردی و اجتماعی هر شخص دانسته و برحسب بند هفت اصل سوم فصل به این حق را در شرایط عادی با موازین شرع و قانون اساسی مغایر شمرده است. دادی در تابعیت به دو معنی ایجابی و

سلبی بگونه‌ای که هر فرد دارای حق احراز تابعیت بوده و دارنده تابعیت را نمی‌توان سلب تابعیت کرد در اصل چهل و یکم عنوان شده است و آزادی تشکیل خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دهم بیان شده است.

براساس اصل ۲۸ قانون اساسی هرکس حق دارد هر شغلی را که مایل است انتخاب کند مشروط بر اینکه مغایر با دستورات اسلام و مصالح عمومی نباشد و بند دوم اصل چهل و سوم با تاکید بر حق کسانی که قادر به کار هستند ولی وسایل کار ندارند به وام بدون بهره اشاره کرده است و در بند ۴ همان اصل چهل و سوم رعایت آزادی شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی تصریح شده است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از ویژگی‌های اساسی توجه به بعد معنوی جامعه و کمال مطلوب آن است که فرزندان جامع از زنگار جهل و بی‌خبری پاک شود تا آگاهانه مسئولیت خود را درک کنند و استعدادهای نهفته از این طریق وارد صحنه شود، به عبارت دیگر رشد فکری از لوازم و مقدمات ضروری حکومت‌های مردمی است و مطلوبیت این حکومت‌ها موکول به مسئولیت‌پذیری متفکرانه افراد جامعه می‌باشد بر این اساس قانون اساسی در دولت را موظف می‌دارد تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

۱۰۰

آزادی‌های فکری و اجتماعی با در نظر گرفتن آن که افراد عضو اصلی جامعه هستند مطرح می‌شود. این آزادی‌ها که استقلال فردی را متجلی می‌سازد و در عین حال برای افراد این امکان فراهم می‌شود که با افراد هم بینش و هم عقیده خود متحد شده و این امر منجر به تعدد حزبی و فکری خواهد شد (همان، ۳۰۵). اسلام به اندیشه و تفکر اهمیت بسیار زیادی داده و حدود ۳۰۰ آیه در قرآن مردم را به تفکر و تعقل ترغیب کرده است. قانون اساسی حقوق بنیادین متعددی را برای ملت قائل شده است که می‌تواند بعنوان اهرم امر به معروف و نهی از منکر مورد استفاده قرار گیرد و در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است که نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند و تفصیل آن را قانون مشخص می‌کند (لطفی و دهقانیان، ۱۳۹۸: ۹۱).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آزادی عقیده توجه فراوانی مبذول داشته و آن را یکی از حقوق ملت برشمرده است و در اصل ۲۳ خود به صراحت آورده است که تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز شامل احزاب و انجمن‌ها و همچنین آزادی تجمعات و راهپیمایی‌ها در دو اصل بیست و ششم و بیست و هفتم مورد تاکید قرار گرفته است در حقیقت آزادی اجتماعات عبارت است از این که افراد بتوانند آزادانه و بطور مسالمت‌آمیز دور هم گرد آیند و از افکار و عقاید یکدیگر بهره گیرند. در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران آمده است: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. اصل بیست و هفتم مقرر می‌دارد: تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

آزادی در داشتن هر نوع مذهب اسلامی که شامل حنفی و شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی می‌باشد بطوریکه دارای احترام کامل می‌باشند و در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان این مذهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود و اختیارات شوراها برطبق آن مذهب خواهد که این امر در اصل سیزدهم تصریح شده است همچنین در اصل چهاردهم چنین آمده که دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کند البته شرط آن این است که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

آزادی‌های سیاسی را می‌توان مقدمه‌ای دانست که در طول تاریخ الهام‌بخش مشارکت فعال مردم در تعیین ۱۰۱ سرنوشت سیاسی خود هستند. در واقع آزادی‌های سیاسی مجموعه امتیازاتی هستند که آحاد کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه به آن نیاز دارند. قانون اساسی با تاکید بر حاکمیت ملت در اصل پنجاه و ششم ضمن از آن حاکمیت مطلق خداوند مقرر می‌دارد خداوند انسان را حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش ساخته است و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از آن سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاص قرار دهد در همین راستا در بند ۸ اصل سوم می‌خوانیم که مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خویش بعنوان یک اصل بنیادین مطرح شده است.

در اصل ششم قانون اساسی آمده است: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضاء شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد (گرجی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۷).

در قانون اساسی اصول فراوانی مخصوصاً در بخش حقوق ملت به بحث آزادی پرداختند که شامل آزادی‌های فردی، فکری و سیاسی و همچنین گروهی می‌شوند که برخی از آنها عبارتند از آزادی در عقیده، آزادی در مطبوعات و نشریات، آزادی در انتخاب شغل و مسکن و آزادی‌های غذایی و دیگر آزادی‌هایی که نه تنها خواسته مردم نسبت به آزادی را تامین می‌کند.

۲- ضمانت اجرای قانون اساسی و حقوق مصرح ملت در آن

قانون اساسی به دلیل آن که تنظیم کننده روابط سیاسی حاکمان و مردم است و قدرت سیاسی بطور عمده در دست حاکمان است، طبیعتاً از قدرت اجرایی بی‌طرفی که عادلانه هرگونه نقضی نسبت به آن را پاسخی قاطع دهد، بی‌بهره است. بدین‌سان است که پرسش از ضمانت اجرای قانون اساسی، رخ می‌نماید. ممکن است به جای اصطلاح «ضمانت اجرا» عنوان «نظارت بر اجرای قانون اساسی»، «مسئولیت اجرای قانون اساسی» و ... نیز بکار رود که همگی حاکی از معنای واحدی است؛ یعنی نیروی الزام کننده‌ای که نیروهای جامعه را وادار به پذیرش اجرای قانون اساسی می‌کند. در مورد ضمانت اجرایی کلیت قانون اساسی، باید شیوه‌های گوناگونی را که برای نقض قانون اساسی متصور است در نظر بگیریم تا ببینیم ضمانت اجرای آن به صورت تدوین شده در قانون اساسی کدام است. یکی از شیوه‌های نقض قانون اساسی تفاسیر مختلف و متعدد و یا به تعبیر امروزی‌ها «قراءت‌های مختلف» از قانون است. نهادهایی که مجری مستقیم یک قانون هستند، اگر بنای بر تفسیر داشته باشند، می‌توانند در قالب تفسیر، به تدریج، محتوا را قلب کنند. بنابراین، قانون اساسی باید از این طریق راه را می‌بست و اجرای صحیح آن و اراده درست قانون‌گذار را تامین می‌کرد. بنابراین، تفسیر قانون اساسی، همان‌گونه که در خود قانون اساسی پیش‌بینی شده، حقی است متعلق به شورای نگهبان و آن هم نه به صورت اکثریت نسبی، بلکه به صورت توافق سه چهارم اعضای آن که مجموعه‌ای هستند که اعتماد علمی و اخلاقی به آن‌ها وجود دارد که حافظ قانون اساسی باشد و نهادی باشد که در اجرا، در هیچ یک از قوای سه‌گانه ذی‌نفع و دخیل نباشند تا بتواند فارغ از تعلقات اجرایی اظهارنظر کند این نهاد تضمین کننده قانون اساسی است. ضمانت اجرای دیگری که در قانون وجود دارد، نوعی نظارت قضایی است که ناظر به بخشی از اجزای قانون اساسی است، صورت جزئی پیدا می‌کند؛ مثلاً، یکی از بحث‌های قانون اساسی «حقوق ملت» است؛ آزادی‌های فردی. حفظ این حقوق و آزادی‌ها اصلاً وظیفه دولت است. به همین دلیل، پیش‌بینی‌های کیفری انجام شده است؛ در قوانین عادی، از جمله ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی تعزیرات است که هر مامور دولتی که از اختیاراتش سوء استفاده کند و حقوقی را که قانون اساسی برای افراد قایل شده است تضییع کند، مجازات می‌شود. این ضمانت اجرای کیفری برای جلوگیری از تضییع آزادی‌های مردم است به وسیله هرکس که صورت گیرد ضمانت اجرایی قضایی ضمانتی دیگر است که در دیوان عالی کشور نسبت به شخص رئیس جمهور و رئیس قوه مجریه پیش‌بینی شده است که اگر او در رفتار اجرایی و مسئولیت حکومتی‌اش خلاف قوانین عمل کند، دیوان عالی کشور می‌تواند او را محاکمه کند و در صورت حکم به محکومیت، موجبات عزلش را فراهم می‌کند که البته عزل او در اختیار رهبری است؛ به رهبری پیشنهاد می‌شود. این هم یک ضمانت اجرایی قضایی - اداری است. قانون اساسی بعنوان میثاق ملی نوع آن قواعد کلی را در رابطه بین مردم و دولت تعیین می‌کند و حدود اختیارات و تکالیف آنان را در مقابل یکدیگر معین

می‌کند. برخی از حقوق و آزادی‌ها که جنبه اساسی دارند در قانون اساسی تعیین می‌شوند ولی قانون اساسی به لحاظ کلی‌گویی نمی‌تواند ضمانت اجرا و نوع آن را تعیین نماید بنابراین، این ضمانت اجراها را باید در قوانین عادی جستجو کرد. باید گفت که این ضمانت اجرا الزاماً ضمانت اجرایی کیفی نخواهد بود و اساساً در بعد مدنی ضرورتی ندارد که قانونگذار به لزوم جبران خسارات وارده بر افراد توسط مصوب آن تصریح نماید و عدم تصریح هم مانع از آن نیست که افراد بتوانند به دادگستری مراجعه نموده و الزام مکلف به ایفای تکلیف را بخواهند.

قانون اساسی در تامین و تضمین حقوق و امنیت فردی نظریه حاکمیت قانون را در گسترده‌ترین وجه پذیرفته است و در بحث مربوط به تضمین حقوق و امنیت فردی به حاکمیت قانون در قانونگذاری و اقدامات قضایی توجه کرده است. قانون اساسی در بیان حقوق فردی همه آنچه را که افراد در ساعت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی باید از آن برخوردار باشند تحت عنوان حقوق و آزادی بیان کرده است. توجه به اصول مربوط به این موضوع در قانون اساسی گویای آن است که قانون اساسی برخورداری از آنها را بعنوان قاعده و هر آنچه را که لازم بوده سریعاً بعنوان استثناء نام برده است این بدان معناست که حق‌ها فقط باید محدود به همان حدودی شوند که در قانون اساسی به آنها اشاره شده است (ازندریانی و مرادی، ۱۳۹۸: ۸۴).

از آنجا که مهمترین ضمانت اجرا در نظریه حاکمیت قانون نظارت قضایی است قانون اساسی این نظارت را ۱۰۳ بعنوان مهمترین تضمین برای امنیت فردی پذیرفته است زیرا بعد از بیان مفصل حقوق فردی در اصل ۳۴ حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه‌های صالح و ممنوعیت جلوگیری از مراجعه به دادگاه‌های قانونی را مطرح می‌کند. یکی از مهمترین گام‌های قانون اساسی برای تضمین حقوق فردی دادخواهی و لوازم حقوقی مربوط به آن است (توسلی، ۱۳۸۵: ۹۳).

آزادی بعنوان یکی از شعارهای مردم در انقلاب به صورت بسیار دقیقی در قانون اساسی ایران گنجانده شده است و اصول فراوانی به این امر مهم اشاره دارند. در حقوق ایران نظارت بر اجرا و حاکمیت قانون در مورد آزادی‌های عمومی و جلوگیری از تجاوز احتمالی قوه مقننه، قوه مجریه و دستگاه‌های اجرایی و یا افراد به حریم آن، درسته قانون اساسی با شورای نگهبان و در سطح قوانین عادی با دیوان عدالت اداری است. علاوه بر کنترل‌های مزبور یک سلسله نظارت‌های پارلمانی و اداری نیز وجود دارد که به وسیله مجلس شورا و یا دیوان محاسبات و یا بازرسی کل کشور و یا سایر بازرسی‌های مستقر در دستگاه‌های اداری کشور انجام می‌شود.

نتیجه‌گیری

سه عنصر اسلام، مردم و رهبری ارکان اصلی انقلاب را تشکیل می‌دهند و قانون اساسی بعنوان مهمترین چارچوب حاکمیتی و سیاسی کشور در اصول متعدد خود بر حقوق ملت تاکید بسیار دارد. باتوجه به مباحث مطرح شده در این نوشتار به این نتیجه می‌رسیم که حقوق مصرح ملت در قانون اساسی به ویژه در فصل سوم حول سه محور مساوات، امنیت و آزادی می‌چرخد و از آنجائیکه جمهوری اسلامی ایران کشوری است مسلمان و تابع قوانین اسلام حقوقی را می‌پذیرد که در چارچوب موازین اسلام باشد. اسلام انسان را موجودی آزاد می‌داند و در بخش‌های مختلف قانون اساسی به ویژه در بخش حقوق ملت آزادی‌ها را به صورت مفصل بیان می‌دارد که برخی از آنها عبارتند از: آزادی بیان، عقیده، آزادی احزاب، آزادی تابعیت، آزادی شغل و مسکن و بسیاری دیگر از انواع آزادی‌ها که تمامی آنها دقت قانون اساسی را نسبت به این امر مهم نمایان می‌سازد. قانون اساسی در جای اصول مختلف خود حق امنیت فردی را بیان کرده و به نظر می‌رسد این قانون سعی کرده است حقوق و آزادی‌ها را با جزئیات بیان کرده و در ضمن استثنائات و خط قرمزها را بطور محدود ذکر کند. اهمیت اساسی برخی از حقوق افراد جامعه ایجاد می‌کند که حمایت‌های اساسی از آنها صورت گیرد. درباره ضمانت اجرا، دو نوع تصور می‌توانیم داشته باشیم: یکی ضمانت اجرای کلیت قانون اساسی و دیگری ضمانت اجرای هریک از فصول و اصول قانون اساسی.

۱۰۴

در مورد ضمانت اجرایی، کلیت قانون اساسی، باید شیوه‌های گوناگونی را که برای نقض قانون اساسی متصور است در نظر بگیریم تا ببینیم ضمانت اجرای آن به صورت تدوین شده در قانون اساسی کدام است از دیگر تضمینات قانون اساسی، اعتباری است که خود قانون به قانون اساسی داده است. ضمانت اجرای دیگری که در قانون وجود دارد، نوعی نظارت قضایی است که ناظر به بخشی از اجزای قانون اساسی است، صورت جزئی پیدا می‌کند؛ مثلا، یکی از بحث‌های قانون اساسی «حقوق ملت» است؛ آزادی‌های فردی. حفظ این حقوق و آزادی‌ها اصلا وظیفه دولت است. به همین دلیل، پیش‌بینی‌های کیفری انجام شده است؛ در قوانین عادی، از جمله ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی تعزیرات است که هر مأمور دولتی که از اختیاراتش سوء استفاده کند و حقوقی را که قانون اساسی برای افراد قایل شده است تضييع کند، مجازات می‌شود. این ضمانت اجرای کیفری برای جلوگیری از تضييع آزادی‌های مردم است به وسیله هرکس که صورت گیرد. ضمانت اجرایی قضایی ضمانتی دیگر است که در دیوان عالی کشور نسبت به شخص رئیس جمهور و رئیس قوه مجریه پیش‌بینی شده است که اگر او در رفتار اجرایی و مسئولیت حکومتی‌اش خلاف قوانین عمل کند، دیوان عالی کشور می‌تواند او را محاکمه کند و در صورت حکم به محکومیت، موجبات عزلش را فراهم می‌کند که البته عزل او در اختیار رهبری است؛ به رهبری پیشنهاد می‌شود. این هم یک ضمانت اجرایی قضایی - اداری است.

فهرست منابع

- ۱- آشوری، محمد و بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۳)، «رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از آزادی»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، ش ۲۳.
- ۲- ازندریانی، علی اکبر و مرادی، نیکزاد (۱۳۹۸)، «اصل برابری در استفاده از خدمات عمومی: مطالعه در حقوق ایران با نگاهی به آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی**، ش ۸۷.
- ۳- توسلی، حسین (۱۳۸۵)، «رابطه حق و عدالت»، **فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی**، س ۸، ش ۱.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۶)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- ۵- **صور مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)**، چاپخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۶- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، **فقه سیاسی**، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۷- قراچورلو، رزا (۱۳۸۴)، «حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر گزارش ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**.
- ۸- گرجی، گلی و دیگران (۱۳۹۵)، «تساوی حقوق در بستر قانون اساسی ایران و نهج‌البلاغه»، **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، س ۴، ش ۱۵.
- ۹- لطفی، عبدالرضا و دهقانین، رضا (۱۳۹۸)، «اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، س ۲۳، ش ۴.
- ۱۰- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۷)، **بحارالانوار**، ج ۴، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۱- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۲)، **کلیات حقوق اساسی**، ج ۳، تهران: انتشارات پایدار.
- ۱۲- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، **مجموعه آثار**، ج ۱۹، چ ۱، تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۳- معین، محمد (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۴- موسوی بجنوردی، سید محمد و سلیمانین، مهسا (۱۳۸۵)، «بررسی فقهی حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **مجله پژوهشنامه متین**، ش ۳۰.
- ۱۵- میر موسوی، سید علی (۱۳۹۲)، **مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب**، ج ۱۳، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۶- ورعی، سیدجواد (۱۳۸۶)، **مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- ۱۷- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، **حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی**، تهران: انتشارات میزان.